

بانوی بی سایه بان ...

خدیجه علیها السلام بیست و چهار سال با پیامبر زندگی کرد و سرانجام در بستری بیماری افتاد. پیامبر صلی الله علیه و آله که بر بالین او حاضر بود، ضمن گفتگوی با وی فرمود: خدا تو را با مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم برابری داده است.

وقتی روح خدیجه علیها السلام به سوی جهان جاودان پرکشید پیامبر صلی الله علیه و آله سخت گریست. چون در حجون قبری برایش کردند، پیامبر خود به راه افتاد؛ همچنان که اشک از چشمانش می بارید داخل قبر شد و خوابید، افزونتر از قبل گریست و او را دعا کرد. آنگاه برخاست و با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت. فاطمه علیها السلام، یادگار خدیجه علیها السلام گرد پدر می گشت، خود را به دامان او می آویخت، بهانه مادر می گرفت و دل دردمند پدر را آتش می زد. پیامبر صلی الله علیه و آله جز سکوت چیزی نداشت؛ جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای پیامبر، به فاطمه علیها السلام بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته

که درونش آشکار است و در آنجا هیچ سختی و تلخی نیست.

به این ترتیب فرشته الهی پایان رنج‌ها و محنت‌های خدیجه علیها السلام را اعلام کرد.

محققان زمان وفاتش را سه سال قبل از هجرت می دانند. در سال ۵۷۲۷ ق. قبه‌ای بر قبر وی ساختند که در سال ۱۳۴۴ ق. به وسیله وهابیون ویران شد.

